



## ***Introduction, Recognition and the Necessity of Editing the Manuscript of Nazmi Behbahani's Diwan***

**Hamidreza Soleymani**

Phd student, Khwarazmi University, Tehran<sup>1</sup>

**Saye Rahman pour**

MA at literature, Arak University<sup>2</sup>

### ***Abstract***

**Objective:** One of the research fields in the Persian language and literature is codicology. The researcher tries to make a revised text as close as possible to the original text available to the audience and other researchers. The purpose of this article is to introduce the editing of Nazmi Behbahani's Diwan manuscript, Safavid poet, and to describe his life, along with a look at his poetic style and calligraphy features.

**ResearchMethod/ Approach:** The research method is descriptive, and the researcher has tried to introduce this unknown poet to the audience and researchers of Persian literature history based on the information collected through documentary and library methods. There is only one manuscript of Nazmi Behbahani's Diwan in the Parliament library. The Diwan has been edited based on this copy and in a critical way. Another copy is available in the library of Tehran University, which is a version of the original copy, and it is cannot considered as an independent copy.

**Findings and Conclusions:** The findings show that there is only one copy of Nazmi Behbahani's Diwan, which is kept in the Parliament library, and it is titled Nazmi Behbahani's Diwan (Mohammed Mirak Behbahani, Nazmi), 11th AH/17 AD century. It is registered by retrieval No. 9100f and Parliament Library document No. IR10-41670. Also, it shows that Nazmi is a capable poet in odes, praises the elders of the Safavid era, mourns the religion elders, and also in using historical material. He was able to introduce mystical thoughts into the ode and is capable in other poetic forms as well.

**Keywords:** critical editing, Nazmi Behbahani's Diwan, Safavid era, Indian style

---

1. Email:Hamidrezasoleymani\_65@yahoo.com,, ORCID: 0009-0001-4096-0562

2. Email:Shadow\_6008@yahoo.com, ORCID:0009-0001-3101-4208



# معرفی، بازشناخت و ضرورت تصحیح نسخه خطی دیوان نظمى بهبهانی

حمیدرضا سلیمانی

دانشجوی دکتری ادبیات، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران<sup>۱</sup>

سایه رحمنپور

کارشناسی ارشد ادبیات، دانشگاه اراک، ایران<sup>۲</sup>

## چکیده

**هدف:** یکی از جریان‌ها و زمینه‌های تحقیقی در رشته زبان و ادبیات فارسی نسخه‌پژوهی است. پژوهشگر در این حوزه تلاش می‌کند متنی منقح و تا حد ممکن، نزدیک به متن اصلی را در دسترس مخاطبان و دیگر محققان قرار دهد. هدف این مقاله، معرفی تصحیح نسخه خطی دیوان نظمى بهبهانی، یکی از شاعران دوره صفویه و بیان شرح احوال و روزگار او، به همراه نگاهی به سبک شعری و ویژگی‌های رسم الخطی اوست.

**روش / رویکرد پژوهش:** روش تحقیق، توصیفی است و پژوهشگر بر اساس اطلاعات گردآوری شده به روش اسنادی و کتابخانه‌ای تلاش کرده است این شاعر ناشناخته را به مخاطبان و پژوهشگران تاریخ ادبیات فارسی معرفی نماید. تنها یک نسخه خطی از دیوان نظمى بهبهانی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که تصحیح این دیوان بر اساس همین نسخه و به روش انتقادی انجام شده است و یک نسخه دیگر نیز در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است که تصویری از همان نسخه اصلی است و نمی‌توان آن را نسخه‌ای مستقل به حساب آورد.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از دیوان نظمى بهبهانی تنها یک نسخه موجود است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و با عنوان دیوان نظمى بهبهانی (محمد میرک بهبهانی، نظمى) سده یازدهم هـ. به شماره بازیابی ۹۱۰۰ و شماره مدرک کتابخانه مجلس IR10-41670 ثبت شده است. همچنین، نشان می‌دهد نظمى شاعری توانمند در قصیده سرایی، مدح بزرگان دوره صفوی، رثای بزرگان دین و نیز استفاده از ماده تاریخ‌هاست. او توانسته تفکرات عرفانی را به قصیده وارد نماید و در سایر قالب‌های شعری نیز طبعی روان دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تصحیح انتقادی، دیوان نظمى بهبهانی، دوره صفویه، سبک هندی

۱. رایانامه: Hamidrezasoleymani\_65@yahoo.com، شناسه پژوهشگر: ۰۵۶۲-۴۰۹۶-۰۰۰۱-۰۰۰۹

۲. رایانامه: Shadow\_6008@yahoo.com، شناسه پژوهشگر: ۴۲۰۸-۳۱۰۱-۰۰۰۱-۰۰۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲

## مقدمه

بخشی از میراث کهن زبانی، علمی و ادبی فارسی به صورت نسخه‌های خطی، ناشناخته و دور از دسترس مخاطبان و پژوهشگران است. تصحیح نسخ خطی نخستین گام در شناسایی و بازسازی آثار برجای مانده است و به دنبال دسترسی به این منابع، پژوهش‌های دیگر زبانی، تاریخی، ادبی و غیره قابل انجام خواهد بود. تصحیح نسخ خطی ادبی از یک سو، آثاری از ادبیات گذشته فارسی را ویرایش و بازسازی می‌کند و در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و از فراموشی و گاه نابودی آن‌ها جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر بستری را بر پژوهش‌های زبان‌شناختی، ادبی، تاریخی و غیره بعدی فراهم می‌سازد. این پژوهش نیز درصدد است تا نظمی بهبهانی، یکی از شاعران ناشناخته سده یازدهم هجری را شناسانده، ویژگی‌های شعری او را بیان کرده و دیوانش را در اختیار مخاطبان و پژوهش‌گران تاریخ ادبیات فارسی قرار دهد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که معرفی و تصحیح دیوان نظمی بهبهانی چه ضرورتی دارد؟ و در ادامه پرسش‌های دیگری عبارت‌اند از: ۱. نظمی بهبهانی کیست و در چه قالب‌هایی شعر سروده است؟ ۲. شعر نظمی بهبهانی در دوره صفویه چه جایگاهی دارد؟ ۳. نسخه خطی دیوان نظمی بهبهانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۴. ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه خطی دیوان نظمی بهبهانی چیست؟

## پیشینه پژوهش

اطلاعات منابع درباره نظمی بهبهانی و دیوان او بسیار اندک و گاه تکراری است. بر اساس جستجوی نگارندگان، اطلاعات نسخ خطی دیوان نظمی بهبهانی در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (حکیم، ۱۳۹۰: ۲/ص ۲۹) و فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (دانش پژوه، ۱۳۶۳: ۳/ص ۲۱) آمده است و این اطلاعات در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) (درایتی، ۱۳۹۱: ۱۵/ص ۶۷۲) و فهرست‌واره دست‌نوشته‌های نسخ خطی ایران (دنا) (درایتی، بی تا: ۵/ص ۴۲۴) آمده است. از سوی دیگر در برخی منابع تراجم و تذکره نیز اطلاعاتی اندک درباره شاعر مشاهده می‌شود از جمله در تذکره نصرآبادی (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ص ۲۸۷)، تذکره منتخب اللطایف (رحمعلی خان، ۱۳۸۶: ص ۶۷۴)، الذریعه الی تصانیف الشیعه (آقا بزرگ طهرانی، بی تا: ۹/ص ۱۲۱۱) و غیره که جزئیات اطلاعات این منابع در فرهنگ سخنوران (خیام‌پور، ۱۳۹۳: ۲/ص ۹۴۴) درج شده است. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهشی در زمینه تصحیح متن دیوان نظمی بهبهانی انجام نشده است و شناسایی و شناساندن این شاعر به کتاب‌های تراجم و تذکره‌ها محدود شده و پژوهشی جدید در این حوزه تحقیق، در دسترس پژوهشگر قرار نگرفته است.

## روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای انجام گردیده است. در ابتدا، نسخه خطی دیوان نظمی بهبهانی از بین نسخه‌های موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی شناسایی شده و مورد مطالعه قرار گرفته، سپس با استفاده از روش‌های تصحیح انتقادی، مورد تصحیح، تحلیل و بازشناخت قرار گرفته است. هدف آرمانی این تحقیق و پژوهش، به دست دادن متنی منقح و اصیل از دیوان نظمی بهبهانی است. در کنار این هدف کلی که مبنای تصحیح متون است، پژوهشگر اهداف جزئی دیگری را نیز در نظر دارد، از جمله اینکه با این پژوهش یکی از شاعران سده

یازدهم هجری قمری شناسانده شود و جایگاه او در تاریخ ادبیات فارسی تعیین گردد و با شناسایی نظمى بهبهانی و به دست دادن متن تصحیح شده دیوان او، راه پژوهش‌های ادبی دیگر درباره این شاعر و آثارش گشوده شود.

### نسخه‌شناسی

ملا محمد میرک نظمى بهبهانی از شاعران خوزستان و بهبهان و از ادیبان توانمند این دیار است که در اواخر قرن دهم هجری قمری در بهبهان چشم به جهان گشود. او در نوجوانی برای تحصیل علوم زمانه به اصفهان مهاجرت کرد و تا اوایل قرن یازدهم هجری قمری در آن دیار روزگار گذراند. سپس به شیراز رفته و در آنجا به کسب علوم زمانه اهتمام نمود. در نیمه دوم قرن یازدهم در آن شهر نامور و سرشناس گردید و مورد تکریم و احترام قرار گرفت. این سخنور تا دهه‌های پایانی قرن یازدهم هجری قمری زیست. از این گوینده، دیوانی مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، مراثی و رباعیات برجای مانده است و تعداد ابیات آن را ۲۲۰۰ بیت برآورد کرده‌اند. **دیوان نظمى بهبهانی** دارای یک نسخه است که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. همچنین نسخه‌ای دیگر موجود است که تصویر همان نسخه مجلس است و در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. تصحیح حاضر بر اساس نسخه کتابخانه مجلس و به شیوه تصحیح انتقادی انجام شده و نسخه دیگر که تصویر همان نسخه اصلی است، تفاوتی در اصل اشعار ندارد.

### نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

نسخه خطی کتابخانه مجلس با عنوان **دیوان نظمى بهبهانی** (محمد میرک بهبهانی، نظمى) سده یازدهم هجری قمری به شماره بازبایی ۹۱۰۰ و شماره مدرک کتابخانه مجلس IR10-41670 ثبت شده است. زبان اثر فارسی و نام کاتب علی نقی بن عبدالقادر کاتب و تاریخ کتابت سلخ ذی قعدة الحرام ۱۰۸۴ ق است. قطع: پنج، ۱۰۰، سه برگ و اندازه متن، ۱۴ در ۷/۳ است. هر صفحه دارای ۱۲ سطر و اندازه جلد نیز ۱۱/۶ در ۲۰/۷ است. یادداشت‌های کلی: این نسخه افتادگی‌های زیادی از آغاز و وسط دارد و از این رو، به صراحت مشخص نمی‌شود که نظمى ذکر شده در اشعار کدام نظمى است، اما با مقابله و بررسی اشعاری که از نظمى در تذکره نصرآبادی نقل شده، مشخص شده که اشعار از آن نظمى بهبهانی است.

#### آغاز:

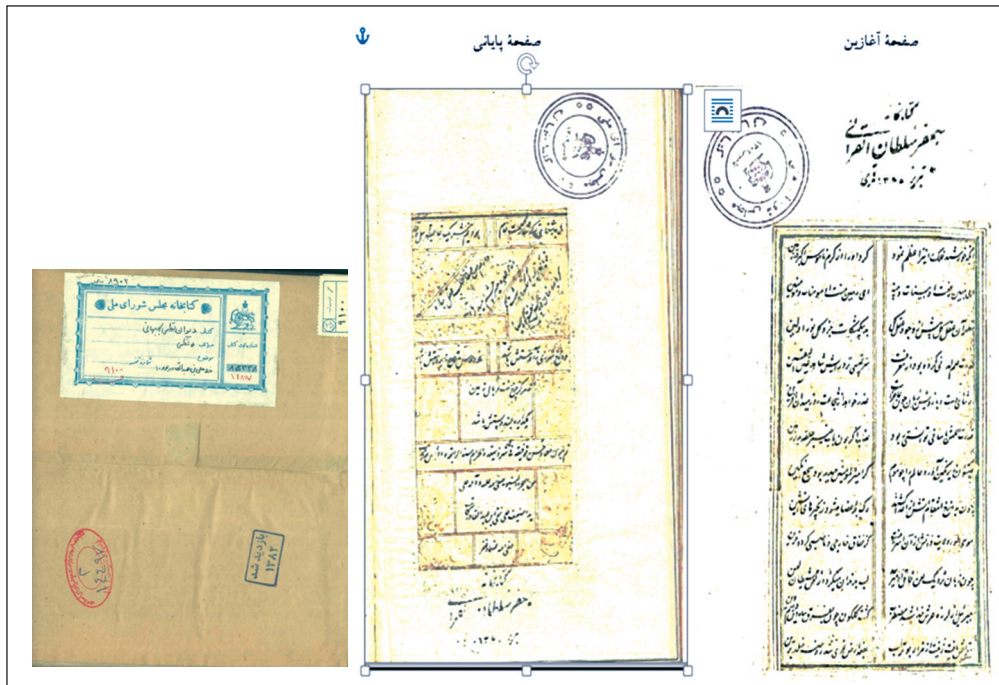
«آنکه خورشید فلک را نیر اعظم نمود  
کرد او را از کرم ناموس اکبر در زمین  
ای مبین رفعت او بینات و بینه  
ای رهین منت او مؤمنات و مؤمنین»

#### انجام:

«دوزخ شرری ز آه مستش باشد  
فردوس متاع زبردستش باشد  
نه مرکز چرخ هفت غربال زمین  
یک دایره بلند و پستش باشد»

انجامه: «ثم بعون الله تعالى و حسن توفيقه فى سلخ شهر ذى قعدة الحرام سنة الرابعة و الثمانين بعد الالف من الهجرة

النبویه صلی الله علیه و آله علی ید الضعیف علی بن عبدالقادر کاتب عفی الله عنهما و غفر». این نسخه توسط سایه رحمن پور (یکی از نویسندگان این نوشتار) در ۱۴۰۱ش به شیوه تصحیح انتقادی تصحیح شده است و در ۱۴۰۲ش نیز توسط ایشان به زیور طبع آراسته شد و دیوان **نظمی بهبهانی** جانی تازه یافت و از گمنامی خارج شد و غبار زمان از روی آن سترده شد.



### نسخه کتابخانه دانشگاه تهران

نسخه خطی دیگر که تصویری از نسخه اصلی است و نمی‌توان آن را نسخه مستقلی به حساب آورد، در کتابخانه دانشگاه تهران با عنوان **دیوان نظمی بهبهانی (نسخه خطی)** تاریخ کتابت سلخ ذی قعدة ۱۰۸۴ق توسط علی نقی بن عبدالقادر کاتب، ثبت شده است.

### شرح احوال و روزگار نظمی

از تاریخ دقیق تولد و جزئیات زندگی نظمی اطلاعات دقیقی در دست نیست و آنچه در جنگ‌ها و سفینه‌ها و تذکره‌ها آمده است، شرح حال مختصری از اوست که تقریباً همگی بر یک منوال تنها به زندگی او در اصفهان و شیراز اشاره کرده‌اند و هیچ‌کدام اطلاعات دقیقی از زمان و مکان تولد و مرگ او ارائه نداده‌اند. با غور و تأمل در شعر او، برخی گره‌ها را می‌توان گشود، اما بازهم آن‌طور که باید، نمی‌توان شرح کاملی از زندگی او بیان کرد. در تذکره‌ها و جُنگ‌ها اشاراتی کوتاه در مورد نظمی بهبهانی و چند بیت از اشعارش به عنوان نمونه وجود دارد که به صورت گذرا به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

در تذکره **نصرآبادی** در مورد نظمی بهبهانی آمده است: «کمال صلاح و درویشی داشت، فی الجمله تحصیلی کرده،

مدتی در اصفهان بود [...] سپس به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد او راست:

خدنگ غمزه به نظمی زدی و آه کشید  
زبان بریده مگر آفرین نمی دانست.  
هر صفحه رخسار تو سرد فتر نازی است  
هر مصرع ابروی تو سرمشق نیازی است».

(نصرآبادی، ۱۳۸۷: ص ۲۷۸)

«ملا محمد نظمی بهبهانی از شاعران متقدم خوزستان و بهبهان است که در اواخر قرن دهم هجری در بهبهان قدم به جهان هستی گذاشت. او در نوجوانی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و تا اوایل قرن یازدهم هجری، در اصفهان بود و با پراکنده شدن دوستانش، او هم به شیراز رفت و در مدرسه‌ای ساکن شد و در نیمه دوم قرن یازدهم در شیراز سرشناس شد و مورد احترام و تکریم قرار گرفت. او عمری طولانی داشت و تا دهه پایانی قرن یازدهم نیز زنده ماند. ملا نظمی دیوانی دارد که شامل: قصاید، غزلیات، قطعات، مراثی و رباعیات است که نزدیک به ۲۲۰۰ بیت می باشد» (فقهی، ۱۳۹۹: ص ۲۴۸).

او دوران حکومت چند تن از شاهان صفوی را درک کرده و این طور که از شواهد تاریخی پیداست، دوران سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق) اوج دوران شاعری و ارتباطات درباری و سیاسی او بوده است، چراکه مهم ترین قصاید مدحی او برای افراد مهم حکومتی، در دوره‌ای سروده شده است که آن افراد در حکومت شاه صفی دارای پست و مقام بوده‌اند. در کتاب **نگاهی به مشاهیر علم و ادب خوزستان** ذیل مشاهیر شعر بهبهان، از ملا نظمی بهبهانی به این شکل یاد شده است: «دانشمندی آگاه، بسیار نیکوکار و صاحب کرامت بود. تا اوایل سده یازدهم در اصفهان میان یاران می زیست و با پراکنده شدن دوستان، او هم به شیراز رفت و در مدرسه‌ای مسکن گزید. در نیمه دوم این قرن، در این شهر، سرشناس گشت [...] دیوانش شامل: قصاید، غزلیات، مقطعات، مراثی و رباعی و روی هم بالغ بر دو هزار و دویست بیت می شود» (پور کاظم، ۱۳۷۸: ص ۲۱۴).

در لغتنامه دهخدا ذیل عنوان نظمی بهبهانی این طور نوشته شده است: «از شاعران معاصر با نصرآبادی است و به روایت وی: کمال صلاح و درویشی داشت، فی الجمله تحصیلی کرده، مدتی در اصفهان بود [...] سپس به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد. او راست: خدنگ غمزه به نظمی زدی و آه کشید زبان بریده م...» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷/۳۵۶). در سفینه خوش گو آمده است: «ملا نظمی از ولایت بهبهان است، رسمی علوم نیک ورزیده، نهایت درویشی داشته و مدتی در اصفهان، با یاران خوش سر بوده، چون هم صحبتان منصرف شدند به شیراز رفته فوت شد. اشعار چسبیده دارد. خان صاحب ازین مطلع خیلی محظوظ شدند:

خدنگ غمزه به نظمی زدی کشید آهی  
زبان بریده مگر آفرین نمی دانست  
گر حسن حیا مانع نظاره نباشد  
در چشم هوس هر مژه‌ای دست درازی است»

(خوش گو، ۱۳۹۰: ص ۴۷۴)

در **دیوان نظمی**، اشاراتی وجود دارند که می توان اطلاعاتی کلی در مورد زندگی او به دست آورد. به عنوان نمونه نظمی در چندین مورد در دل شعرهایش به زندگی در شیراز و مصاحبت با بزرگان این خطه اشاره دارد و به صورت مستند اطلاعاتی در مورد مکان زندگی خود ارائه داده است:

مطلب افتاده مرا دوری ارباب نفاق / گرنه از گلشن شیراز سفر نتوان کرد

(غزل ۳۴)

در این بیت، نظم‌ی به سکونت خود در شیراز اشاره می‌کند و حتی دوری از شیراز را هم دشوار می‌بیند. با توجه به تمامی این داده‌ها و اطلاعات، مشخص است که در مورد نظم‌ی و جزئیات زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست. با توجه به آنچه ذکر آن گذشت، محمد میرک بهبهانی معروف به ملا نظم‌ی بهبهانی یکی از شخصیت‌های سرشناس منطقه بهبهان در سده یازدهم هجری قمری (به‌طور تقریبی از اوایل سده یازدهم) در منطقه بهبهان دیده به جهان گشوده و بیشتر عمر خود را در شیراز سپری کرد و به گواه یکی از ماده تاریخ‌های او، قطعاً تا ۱۰۸۳ق که به مدح ممدوحی پرداخته، زنده بوده است.

دین نظم‌ی دین اسلام و مذهب او به یقین شیعه اثناعشری است و او در جای جای دیوان خود به این نکته اشاره دارد و تأکید فراوان بر پیروی از حضرت علی (ع) و امامان معصوم (ع) داشته است. از نظر تاریخی نظم‌ی دوران حکومت شاه صفی و شاه عباس دوم صفوی را به تمامی درک نموده و بزرگان حکومتی را در هر دو دوره مدح کرده و با افراد سرشناس دوره خود در ارتباط بوده است. از معاصران او می‌توان به شاعر بزرگ سبک هندی، صائب تبریزی اشاره کرد که دقیقاً بین سال‌های ۱۰۰۰ق تا ۱۰۸۰ق زندگی می‌کرده است و معاصر نظم‌ی محسوب می‌شود. ممدوحان نظم‌ی نیز از شخصیت‌های بزرگ دوره صفوی تا شخصیت‌های مطرح منطقه بهبهان و کهکیلویه بوده‌اند. وزرای مهمی مانند زینل خان و صفی‌قلی سلطان که از وزرای مهم دوره شاه صفی بوده‌اند مورد مدح و ستایش نظم‌ی قرار گرفته‌اند و افرادی مانند زمان خان (سازنده پل زمان خانی) نیز جز ممدوحان نظم‌ی به حساب می‌آیند.

از نظر جایگاه نیز می‌توان او را جزء شاعران متوسط سبک هندی به شمار آورد و از مضامین نازک خیالی و باریک اندیشانه او می‌توان چنین استنباط کرد که کاملاً تحت تأثیر سبک هندی و جریانات رایج شعر آن روزگار بوده است. در قصیده تالی انوری و خاقانی بوده و تلاش کرده فخامت زبانی آنان و استواری شعری آنان را در نظر داشته باشد. در غزل، از نظر ویژگی‌های سبک هندی به سبک صائب نظر داشته و از نظر مضامین عاشقانه و عارفانه و تلفیق این دو، می‌توان او را از پیروان زبان و سبک شعری حافظ به شمار آورد.

### دین و مذهب نظم‌ی

نظم‌ی بهبهانی با اشارات صریح، در دیوانش مشخص کرده است که دین او اسلام و مذهبش شیعه اثناعشری است. در بیت‌های فراوانی می‌توان این اشارات را دنبال کرد که به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. او در قصیده دوم که در مدح امام رضا (ع) سروده شده است، با اشاره‌ای به حدیث ثقلین و حدیث مخبر صادق، آشکارا از مذهبش پرده برمی‌دارد و خود را یک شیعه متعصب نشان می‌دهد:

ثواب طوف حریمش به حج چه می‌سنجی؟ / حدیث مخبر صادق چرانی خوانی؟

(قصیده ۲)

در قصیده اول نیز که در مدح حضرت علی (ع) سروده شده است، در چندین مورد اشاره‌های آشکارا و عریانی به

مذهب و دین خود دارد. در این قصیده با استفاده از تلمیح‌های زیبا، نظم‌ی تلاش می‌کند موقعیت‌های مختلف زندگی حضرت علی (ع) را به تصویر بکشد. به عنوان نمونه، در یکی از ابیات این قصیده به قدرت بازوی آن حضرت و واقعه خیبر اشاره می‌کند:

قدرت اللهش به آسانی توانستی ربود      نصب اگر چون باب خیبر حلقه‌ای بُد بر زمین

(قصیده ۱)

در بیت بعدی همین قصیده آن حضرت را سجع نگین عالم می‌خواند:

می‌توان زیر نگین آورد عالم را چو موم      گر امیر المؤمنین حیدر بود سجع نگین

(همان)

در قصیده دوم نیز که در مدح امام رضا (ع) سروده شده است، ارادتش را به آن حضرت نشان می‌دهد و آشکارا شیعه بودنش را بیان می‌کند:

علی موسی جعفر که اشک زوارش      ملک به عرش برسد بهر سبحة گردانی

(قصیده ۲)

نظمی نه تنها ارادتش را به امام رضا (ع) نشان می‌دهد، بلکه زیارت آستان مبارک آن حضرت را با حج برابر می‌داند:

به حج، فضیلت طوفش شبی برابر کرد      دلم ز غایت شوق و کمال حیرانی

(همان)

## اشعار نظم‌ی در دو جنگ خطی

با تطبیق و بررسی انجام شده بر روی نسخه اصلی دیوان نظم‌ی بهبهانی با سایر جنگ‌ها و تذکره‌ها، مشخص شده که چندین غزل از دیوان نظم‌ی وجود دارد که در جنگ‌ها و تذکره‌ها و سفینه‌های مختلف ثبت شده است. مهم‌تر از این سروده‌ها، اشعاری هستند که در نسخه اصلی ثبت نشده‌اند، اما به اسم نظم‌ی بهبهانی در سایر منابع ثبت گردیده‌اند. در این بخش از نوشتار پس از معرفی مختصر دو جنگی که شعر نظم‌ی در آن‌ها ثبت شده است، به ذکر اختلافات اشعاری خواهیم پرداخت و نکاتی را در مورد آن‌ها ذکر خواهیم کرد.

جنگ شماره ۷۷۸۵: این جنگ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. تاریخ کتابت آن ۲۲ شعبان ۱۰۹۹ق بوده و دارای ۱۵۱ برگ و نوع کاغذ هندی است. هر صفحه آن ۱۲ سطر و طول و عرض هر برگ آن ۱۳×۲۳ cm بوده و با جلد گالینگور عطف و گوشه تیماج تریاکی زرکوب مقوایی تزئین شده است. همچنین، خط آن نستعلیق چلیپاست و عنوان‌های آن عبارت‌اند از: ۱. عریضه شاه طاهر حسینی به شاه عالم پناه. ۲. نامه به یکی از عزیزان. ۳. نامه به یکی از احواء. ۴. نامه به قاضی روح‌الله پسر میر نورالهدی. ۵. نامه قاضی جهان وکیل السلطنه. ۶. نامه به فرزند خود حیدر. ۷. معراج الخیال، تجلی شیرازی، علی‌رضا بن حسین. ۸. قصیده ترجمه الشوق، عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد. ۹. شعر مولانا امیدی. ۱۰. رباعیات ابوسعید ابوالخیر با خواص. ۱۱. رباعیات، سحابی استرآبادی. ۱۲. غزل، صائب تبریزی، محمد علی بن عبدالرحیم. ۱۳. شعرهای میرصیدی و شیخ علی نقی کمره‌ای و شانی تکللو و ملا محمد قاسم مشهدی و اهلی شیرازی و طالب آملی.

۱۴. ترجیع‌بند و ساقی‌نامه، رضی‌الدین آرتیمانی. ۱۵. حکایت عینیه و ریا، جامی، عبدالرحمن بن احمد. ۱۶. قضا و قدر، مسیح کاشانی، مسعود بن علی. ۱۷. فرهاد و شیرین، عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد. ۱۸. شعرهای شیدای هندی و ظهوری و وحشی و ملا نظمی بهبهانی و صفی‌قلی بیک و علی نقی ناطق بهبهانی و صایب و هلالی و اهلی. ۱۹. مسدس، وحشی بافقی، کمال‌الدین. ۲۰. مثنوی، عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد. ۲۱. مثنوی دیگر. ۲۲. شعر عامل بلخی.

جنگ شماره ۳۳۴۹: این جنگ توسط عجزی بهبهانی در سده ۱۱ و ۱۲ هجری قمری کتابت شده است. خط آن چلیپا و طول و عرض هر برگ آن ۱۵×۲۶ cm و نوع کاغذ آن سپاهانی آهارمهره است و با نوع جلد تیماج حنایی ضربی مقوایی تزیین شده است. فهرست این جنگ به این ترتیب است: ۱. مثنوی میرزا علی رضای تجلی. ۲. شعر نظیری. ۳. مثنوی و هجو صدر و مؤمن سمسار و شعری از شفیعی‌ای اثر نابینا و غزل و رباعی او. ۴. سوز و گداز نوعی خوبشانی. ۵. قضا و قدر اختر. ۶. مثنوی غزالی مشهدی. ۷. مثنوی ارجمند. ۸. مثنوی وحید. ۹. مثنوی قضا و قدر سلیم. ۱۰. مثنوی صفی‌قلی بیک در چند بند و غزل. ۱۱. غزل نظمی بهبهانی. ۱۲. غزل ناظمای بهبهانی. ۱۳. غزل نظامای دست‌غیب شیرازی. ۱۴. غزل لامعا قربان علی. ۱۵. شعرهای کلیم، فغانی، محمدقاسم مشهدی، اسیر، عرفی، شیدای هندی، فاطمه قوال. ۱۶. شعر رضاقلی بیکدلی. ۱۷. مثنوی میرزا رضی. ۱۸. قسمت‌نامه میراث وحشی. ۱۹. مرآت الجمال صائب. ۲۰. رباعی شکوه. ۲۱. تخمیس فرصتی بهبهانی از غزل حافظ. ۲۲. شعر صائب و غزل او. ۲۳. غزل شافی بهبهانی. ۲۴. غزل میر محمدجعفر محتسب بهبهانی متخلص به مولی. ۲۵. غزل مقیمای شیرازی. ۲۶. شعر محتسب و مشایخ بهبهانی و هلالی. ۲۷. غزل ملا وارسته قادری بهبهانی. ۲۸. شعر اوحدی مراغه‌ای، وحید، جامی. ۲۹. شعر سالمی بهبهانی. ۳۰. شعر یوسف‌ا، شوکتی، شیخ علی کمراهی، مجذوبا.

در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که این جنگ‌ها، شعرهایی را از نظمی بهبهانی ثبت کرده‌اند که اندک اختلافاتی با نسخه اصلی دیوان نظمی دارند:

الف. نخست اینکه چهار غزل کامل در جنگ شماره ۷۷۸۵ وجود دارد که در نسخه اصلی نیست و این احتمال وجود دارد که این غزل‌ها مربوط به همان افتادگی‌های نسخه اصلی باشد. مطلع این غزل‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

- |                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱. از خاک در دوست مرا پای گذر نیست  | در چشم من این سرمه کم از نور بصر نیست |
| ۲. زلف رازیب کم رساخته‌ای، یعنی چه؟ | در میان، طرح نوانداخته‌ای، یعنی چه؟   |

نکته جالب در مورد این غزل این است که دقیقاً با همان وزن و قافیه غزل معروف حافظ سروده شده است و سایر قوافی و مضامین بیت‌ها هم تأثیر پذیرفته از همین غزل حافظ هستند، غزلی با مطلع:

- |  |   |
|--|---|
| ناگهان پرده برانداخته‌ای، یعنی چه؟       | مست از خانه برون تاخته‌ای، یعنی چه؟       |
| ۳. مسند آرای جنون راملک همت تنگ نیست     | پوست تختی گریه دست افتد، کم از اورنگ نیست |
| ۴. گر کنند در کار ما آن شوخ رعنا خنده‌ای | بر فلک خواهیم زد از بخت والا خنده‌ای      |

همچنین، در جنگ شماره ۳۳۴۹ دانشگاه تهران تنها یک غزل وجود دارد که در نسخه اصلی مشاهده نمی‌شود و همان غزلی است که در جنگ پیشین ذیل عنوان ۴ مطرح گردید:

گر کند در کار ما آن شوخ رعنا خنده‌ای      بر فلک خواهیم زد از بخت والا خنده‌ای

ب. دوم اینکه در برخی از غزل‌های ثبت شده در جنگ‌ها، ابیاتی وجود دارند که در نسخه اصلی نیست یا ابیاتی که در نسخه اصلی مشاهده نمی‌شوند، اما در جنگ‌ها وجود ندارند. این غزل‌ها عبارت‌اند از:

۱. در غزل شماره ۲۱ نسخه اصلی با مطلع:

تا دل به تیغ ناز تو بسمل نمی‌شود      خاکش به خون مهر مقابل نمی‌شود

که در هر دو جنگ آورده شده است، در جنگ شماره ۷۷۸۵ (جنگ شماره ۱) صفحه ۹۱، در مصراع اول بیت سوم، به جای واژه «جان» از واژه «چون» استفاده شده است و در مصراع دوم همین بیت نیز، به جای واژه «طی»، از واژه «جز» استفاده شده است.

۲. در غزل شماره ۲۲ نسخه اصلی با مطلع:

هنوز آن زلف بازیگوش عیاری نمی‌داند      هنوز آن چشم ساغر نوش خون خواری نمی‌داند

که در جنگ شماره ۱ نیامده است و در جنگ شماره ۲ در صفحه ۵۰ آورده شده است.

در این جنگ سه بیت آغازین غزل که در نسخه اصلی وجود نداشته‌اند، عبارت‌اند از:

هنوز آن زلف بازیگوش عیاری نمی‌داند      هنوز آن چشم ساغر نوش خون خواری نمی‌داند

به گرد خود خریداران جان پرداز می‌بیند      ولی نرخ متاع گرم بازاری نمی‌داند

به مرگ عاشقان خود قیامت پوش می‌گردد      کسی چون چشم اورسم وفاداری نمی‌داند

که در تصحیح متن، به متن اصلی افزوده شده‌اند.

۳. در غزل شماره نسخه اصلی، با مطلع:

یا فشردیم به درد تو به محنت سوگند      جان سپردیم به هجر تو به حسرت سوگند

که در جنگ شماره ۲ در صفحه ۴۸ آورده شده است.

۴. در غزل شماره ۳۰ نسخه اصلی، با مطلع:

هر صفحه رخسار تو سرد فتر نازی ست      هر مصرع ابروی تو، سرمشق نیازی ست

در جنگ شماره ۲ در صفحه ۴۸ آمده است.

۵. در غزل شماره ۳۳ نسخه اصلی، با مطلع:

امت عشق رهبری دارد      چون محبت پیمبری دارد

در جنگ شماره ۲ در صفحه ۴۷ آورده شده است.

۶. در غزل شماره ۳۷ نسخه اصلی، با مطلع:

صبح محشر شد سفید و تیره ایامم هنوز      پخته شد بخت جنونم بر سر و خامم هنوز

در جنگ شماره ۲ در صفحه ۴۸ آورده شده است.

۷. در غزل شماره ۶۴ نسخه اصلی، با مطلع:

خورده ام آب حیات از چشمه سار غبغبی  
کرده ام روشن چراغ دل ز یاقوت لبی

که در جنگ شماره ۱ در صفحه ۹۰ آورده شده است.

۸. در غزل شماره ۶۹ نسخه اصلی، با مطلع:

به چشمت در نمی آید گراشکم توتیا گردد  
به زلفت ره نمی یابد اگر آهم صبا گردد

که در جنگ شماره ۲ در صفحه ۴۶ آمده است.

### ویژگی های رسم الخطی

۱. عدم ثبت حرف «ه» در واژه های مختوم به «ه» که با نشانه جمع «ها» جمع بسته شده اند، مانند (وعده ها):

به وعده های خلافم دگر تسلی ساخت  
فریب خوردن من باز برقرار خود است

(وعده ها: وعده ها)

یا:

چه طبل ها که ز کافور ابر خالی کرد

(طبله ها)

۲. چسباندن واژه هایی که پس از حرف اضافه «به» آمده اند، به حرف «ب»، مانند به لب: بلب:

بوصف آن و من نتوان سخن گفت  
که می چسبید بلب گفتار شیرین

(بوصف: به وصف)، (بلب: به لب)

۳. نوشتن حرف «ب» به جای حرف «پ» در برخی از واژه ها، مانند پریشان:

سروسرسبز چمن را وقت خوش بادا که من  
همچو اوراق گل از گلشن پریشان می روم

(پریشان: پریشان)

۴. حفظ رسم الخط عربی در کتابت. کاتب اغلب واژگانی که شکل نوشتاری عربی دارند را به همان شیوه نوشتاری

عربی کتابت کرده است. مانند: حیوه در این بیت:

به مجلسی که دهد غمزه تو زهر عتاب  
حیوه خضر برد رشک چین پیشانی

(حیوه: حیات)

۵. عدم کتابت نقش نمای اضافه در بین کلمات یک ترکیب. کاتب در تمامی مواردی که یک واژه به واژه ای دیگر اضافه

شده، از نشانه نقش نمای اضافه استفاده نکرده است:

کند ز ریزه خوانت فلک چو مهمانی

(ریزه: ریزه)

۶. عدم کتابت «ای» در پایان واژه‌های منتهی به «ه»، مانند: قطره‌ای:

اگر ز ابر کفت قطره چکد به سراب

(قطره: قطره‌ای)

یا:

عقدده در کار ماگر هست از بند قباست

(عقدده: عقده‌ای)

۷. کتابت حرف «ک» به جای «گ». در تمام نسخه، این دو حرف به جای یکدیگر به کار رفته‌اند:

رسد بکوش اثر تا به حالت تحویل      خروش زمزمه یا محول الاحوال

(بکوش: به گوش)

۸. چسباندن نشانه «می» به فعل بعد از خود:

جدل بچرخ فلک میکند زی نادان

(میکند: می‌کند)

۹. نوشتن واژه «برخاستن» با «و» که در نوع خود جالب است:

آن نوگل نوخیز چو از دارفنا رفت      برخواست فغانی که دل سنگ ز جارفت

(برخواست: برخاست)

۱۰. نوشتن واژه «خوار» به شکل خار:

عزیز مردم صاحب نظر هرگز نمی‌گردد      هرآن کس عزت قدر خود از خاری نمی‌داند

۱۱. استفاده از حرف «پ» به جای «ب»:

سپراز دل به کف داری توپی پروا چه می‌دانی      که تیر آه عاشق تا چه غایت کارگر باشد

(پی پروا: بی پروا)

۱۲. کتابت واژه «ترمه» با «ط»:

ابریشم شال طرمه شد موی میان

(طرمه: ترمه)

۱۳. کتابت واژه «نشئه» به شکل «نشاه». (این مورد در تمامی موارد استفاده از این واژه اتفاق افتاده است):

چشم دولت از خمار قحط همت خفته بود      نشئه جام سخاوت کرد پندارش ز خواب

(نشاه: نشئه)

## ویژگی‌های شعری نظمی

ویژگی‌های شعری نظمی را ذیل سه عنوان: ۱. ویژگی‌های زبانی، ۲. ویژگی‌های بلاغی (ادبی) و ۳. ویژگی‌های فکری مورد

تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

## ویژگی‌های زبانی

زبان شعری نظمی غالباً دارای ویژگی‌های زبان رایج در شعر سنتی است و برخی نوآوری‌ها از نظر زبانی در اشعارش مشاهده می‌شود که ذیل این عنوان به بیان نمونه‌هایی خواهیم پرداخت که نسبت به سایر مشخصه‌های زبانی شاعر دارای بسامد بیشتری هستند و زبان نظمی به استفاده از آن‌ها گرایش داشته است.

**جهش ضمیر:** عبارت است از جابجایی ضمیر و خارج شدن از جایگاه اصلی زبانی و دستوری خویش. این اتفاق در ادبیات فارسی و در شعر شاعران بزرگ فراوان دیده می‌شود و زیبایی‌های بیت را مضاعف می‌کند. به عنوان نمونه در این بیت حافظ جهش ضمیر ظرفیت معنایی و واژگانی آن را بسیار افزایش داده است:

سرکش مشوکه چون شمع، از غیرت بسوزد      دلبر که در کف او، موم است سنگ خارا

در شعر نظمی نیز از این ویژگی برای تشخیص بخشیدن به زبان شعری استفاده شده است:

سرشک گرم منش خضر راه شد زازل      اگر نه سیل نمی‌برد ره به ویرانی

(قصیده ۲)

چگونه ام نکشد دل به زلف همچون مار      که گنج داغ تو دارم به سینه افگار

(قصیده ۴)

**جابجایی اجزای کلام:** یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی شعر نظمی، جابجایی بلاغی و هنری اجزای کلام در خدمت ایجاد تصاویر زیباست. در این ویژگی، اجزای دستوری کلام نه تنها به صورت آگاهانه جابه‌جا می‌شوند، بلکه می‌توانند ظرفیت‌های معنایی را نیز افزایش دهند:

فکنده عکس تباشیر صبح در ساغر

یا:

که می‌برند سر آن جا نمونه دستار

**تنسيق الصفات:** این آرایه در لغت به معنی ترتیب دادن و در اصطلاح ادبیات فارسی آن است که با نظمی خاص برای موصوف واحد صفات متعددی آورده می‌شود. در شعر نظمی استفاده از تنسيق الصفات به عنوان یک ویژگی سبکی، قابل توجه است. نظمی گاه برای توصیف کامل‌تر ویژگی‌های ممدوح، از این ظرفیت به خوبی استفاده می‌کند:

خیال جلوه قد بتان سیم‌اندام      شگفت نیست چو در طبع گل کند چونهال

(قصیده ۱۲)

از شراب منت مینای گردون فارغم      جام مهرش گر کنند در بزم عیشم ساغری

(قصیده ۱۳)

**نوآوری در ترکیب‌سازی:** یکی از رسالت‌های شاعران، ایجاد ترکیب‌های تازه و واژه‌سازی برای زبان است. در دستگاه منظم زبان، این شاعران و سخنوران هستند که می‌توانند واژه تازه تولید کنند و به خلاقیت‌های جدید دست یابند، نه یک دستگاه خشک اداری مانند فرهنگستان زبان. شاعران به دلیل تسلط بر زبان، می‌توانند ترکیب‌ها و واژه‌هایی بیافرینند که تا ابد در زبان ماندگار گردد. شعر نظمی نیز بستر کشف و تولید واژه‌ها و ترکیب‌های تازه و بدیع زبانی است. در شعر او از

ترکیب‌های بکر و تازه و خلاقانه بسیاری استفاده شده است و این نکته بیانگر ذهن خلاق و طبع روان اوست که توانسته است از ترکیب‌هایی بکر و تازه و بدیع استفاده کند.

عشق آتش دست را نازم که امشب دردم  
می‌کند پیکان تیر آه را آتش‌گری  
(قصیده ۱۵)

مه‌ر گاو زمین ای آسمان باد اخترت  
گر مراد رسلک این خرمهره طبعان بشم  
(قصیده ۱۵).

### ویژگی‌های بلاغی (ادبی)

شعر نظم‌ی از نظر ویژگی‌های بلاغی، شعری است که در آن از آرایه‌ها و صنایع شعری مختلف استفاده شده است و او چه در قصیده، چه در غزل و چه در رباعی و مقطعات، از بُعد ادبی، توانسته است، شعر خود را در ردیف اشعار مرسوم سبک هندی و دوره صفوی قرار دهد. از جمله ویژگی‌های ادبی شعر نظم‌ی می‌توان به استفاده از روش‌هایی اشاره کرد که در شعر او از بسامد بالایی برخوردار هستند و تبدیل به یک مشخصه سبکی گردیده‌اند. ویژگی‌هایی مانند، استفاده از تشبیه مضموم و تفضیل که بسامد بسیار بالایی خاصه در قصاید و مدح‌های او دارند، استفاده از پارادوکس، استفاده از تشبیه بلیغ اضافی، تلمیح، لف و نشر و غیره از جمله ویژگی‌هایی هستند که در شعر نظم‌ی مبدل به ویژگی‌های شخصی و خاص او در بین شاعران آن دوره گردیده‌اند.

تشبیه مضموم و تفضیل: عبارت از تشبیهی است که ظاهراً با ساخت جمله تشبیهی مواجه نیستیم، اما مقصود گوینده تشبیه است. به عبارت دیگر، جمله قابل تأویل به جمله تشبیهی است.

روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود  
از دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم  
تشبیه تفصیل: مشبه را به چیزی تشبیه کنند (در این صورت مشبه به باید ارجح و اعرف باشد) سپس از گفته خود عدول کرده دوباره مشبه را بر مشبه به ترجیح دهند و در این صورت است که می‌توان تشبیهات مبتدل و متداول را نو کرد و غرابتی به آن داد. همه شعرا چشم را به نرگس تشبیه کرده‌اند. حافظ به زیباترین شکل ممکن این دو تشبیه را با یکدیگر ترکیب می‌کند:

گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس  
شیوه تو نشدش حاصل و بیمار بماند  
(فتوحی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۷)

در تشبیه مضموم و تفصیل، شاعر ابتدا ممدوح یا معشوق را به شکل پنهانی به چیزی مانند می‌کند (مضموم)، سپس با ظرافتی خاص او را از مشبه به برتر و بالاتر قلمداد می‌کند.

در شعر نظم‌ی بسامد این نوع تشبیه تا حدی است که می‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین ویژگی ادبی شعر او به حساب آورد. در بیشتر قصاید مدحی نظم‌ی این نوع تشبیه به چشم می‌خورد:

تا ترا بش یافت زینت از مزار بوتراب  
بقعه ارض غری شد روضه خلد برین  
(قصیده ۱)

چه خنده ها که به آب خضر زخم هرگاه / به یاد لعل تو نوشم شراب روحانی

(قصیده ۲)

در این بیت، نظم، آن شراب روحانی ای را که به یاد ممدوح خود می نوشد، به شکل پنهانی به آب حیات خضر مانند می کند و در ادامه حتی از آن هم پا را فراتر می نهد و به آب حیات خضر به نشانه تمسخر می خندد.

در نمونه ای دیگر، شاعر سفره و سخاوت ممدوح خود را می ستاید:

نعیم خلد برین بخش غایبی باشد / کند زریزه خوانت فلک چو مهمانی

(قصیده ۲)

در این بیت، شاعر در ابتدا ریزه های سفره و خوان ممدوح را در هنگام مهمانی، به نعمت های بهشتی مانند می کند و در ادامه حتی آن را بالاتر هم می پندارد و معتقد است، نعمت های بهشت هم حتی به آن نمی رسند.

پارادوکس: با معادل های فارسی متناقض نما و تناقض ظاهری، به کلام منثور یا منظومی گفته می شود که در بادی امر اجزایش باهم در تضادند و متناقض به نظر می رسند، اما نویسنده یا شاعر با شگرد هنرمندانه خود بین آن ها وحدتی ایجاد می کند تا بدین وسیله منظور خود را به مخاطب برساند. مسلماً هر چه این متناقض نمایی یا کلام پارادوکسیکال، موفق تر و چشمگیرتر باشد، تحسین متقابل مخاطب تیزهوش و نکته سنج را نیز به دنبال خواهد داشت. به عنوان نمونه به بیت زیر از حافظ، توجه بفرمایید:

اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولیک / اساس هستی ما زان خراب، آباد است

(فتوحی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۳)

یکی از آرایه های مورد توجه در سبک هندی، پارادوکس یا متناقض نما بوده است. این آرایه به دلیل ایجاد فعالیت ذهنی جذاب و به دلیل ایجاد مضامین باریک و نازک خیالانه، همواره مورد توجه شاعران سبک هندی بوده است. نظم هم از این آرایه به دفعات و به زیبایی استفاده کرده است:

اگر دهد فلکم خلعت سلیمانی / برون نمی کنم از تن، لباس حیرانی

(قصیده ۲)

تنم رانعمت غم کرد نظمی آن چنان فربه / که مویی گشتم و در کوچه زلفی وطن دارم

(غزل ۲۶)

کند عکس غنچه به جو حقه بازی / که در آب اخگر نمودار باشد

(قصیده ۷)

گدای بذل کفت را، ز گنج بخشی ننگ / مقیم خاک درت را، ز زرفشانی عار

(قصیده ۴)

تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): یکی از مشخصه های سبک شعر نظم بهبهانی، استفاده فراوان از تشبیه بلیغ اضافی یا همان اضافه تشبیهی است که هم موجب ایجاز و هم تخیل و تصویر را در شعر او اوج بخشیده است. اضافه تشبیهی نمونه ساده ای از ایجاز در شعر است، چراکه شاعر با کمک دو واژه ساده می تواند مفهومی عمیق را منتقل کند

و حتی تشبیهی طولانی را کوتاه کند. نمونه‌های این آرایه در شعر نظمی بسیار زیاد است و فقط به بیان چند نمونه بسنده می‌کنیم:

گره به گوشه ابرو چو زد عتاب‌آلود      هلال عید دمید از سپهر پیشانی  
(قصیده ۲)

چرا ز مشرق مشهد نمی‌دمد هر صبح      اگر نه یوسف خورشید گشته زندانی؟  
(قصیده ۲)

از آن بید مجنون کند شور در باغ      که بر لیلی گل گرفتار باشد  
(قصیده ۲)

**تلمیح:** در لغت به معنی نگاه تند و آنی به چیزی افکندن، اشاره کردن با گوشه چشم و همچنین، اشاره کردن است. در اصطلاح ادبی، تلمیح اشاره کردن شاعر در شعر به داستان یا مثلی مشهور یا آوردن اصطلاحات علمی در شعر است. تلمیح ذهن شنونده و خواننده را به گذشته می‌برد و همین تداعی است که اثر شعر را در ذهن مخاطب بیشتر می‌کند. در تلمیح، شاعر معمولاً به داستان‌های تاریخی، آیات قرآن، احادیث، شخصیت‌های اساطیری، داستان پیامبران و امثال این‌ها اشاره می‌کند.

زبان عیسی کلکم به مدح تو گویاست      چه انوری و چه فردوسی و چه خاقانی  
(قصیده ۶)

دل عدوی تو هاروت وار با صد داغ      به سینه باد نگونسار چاه حیرانی  
(قصیده ۶)

تیغت از برهان قاطع تا ید و بیضا نمود      کشور سیماب شد پاک از فتور اضطراب  
(قصیده ۶)

**لف و نشر:** «لف» در لغت به معنی پیچیدن و تا کردن و «نشر» به معنی گستردن و باز کردن است. در اصطلاح فن بدیع، آرایه لف و نشر آن است که ابتدا، چند چیز را در کلام بیاورند، آنگاه چند امر دیگر از قبیل صفات یا افعال بیاورند که هر کدام از آن‌ها به یکی از آن چیزها که در اول گفته‌اند، مربوط باشد و تعیین نکنند که کدام یک از آن امور به کدام یک از آن اشیاء برمی‌گردد. کلماتی را که در اول آورده‌اند، لف و اموری را که به آن‌ها برمی‌گردد، نشر می‌گویند:

تو ابر فیضی و گنج کرم چه بحر و چه کان      تو نخل جودی و بار گهر، چه گل چه بهار  
(قصیده ۴)

چون نتابد نور خلق وجود از دست و دلت      مطلع صبح وفا و مشرق مهر سخاست  
(قصیده ۳)

مشرق و خورشید باشد نزد ارباب نظر      خاطر روشن دلان و فیض مهر آن جناب  
(قصیده ۵)

**ماده تاریخ‌ها:** نظمی از فن و شگرد ماده تاریخ به خوبی استفاده نموده و ماده تاریخ‌های زیادی در شعر او گنجانده شده است. در ادامه به بررسی تعدادی از این ماده تاریخ‌ها می‌پردازیم:

۱. در این بیت به سال جلوس فردی به نام اشرف اشاره کرده است:

تاریخ همایون جلوس اشرف      ظل احدِ صمد خرد کرد حساب  
که به حساب ابجد «ظل احدِ صمد» برابر است با ۱۰۷۷ق.

۲. در قطعه‌ای نیز به سال وفات اشرف اشاره کرده است:

هر زمان از سال تاریخ وفاتش عقل گفت:      در دل احباب ماند آرزوی صحبتی

مصراع دوم بیت مذکور، به حساب ابجد معادل ۱۰۸۱ق است که احتمالاً سال وفات اشرف است و این احتمال نزدیک به صواب است، چراکه در الذریعه نیز نظمی تبریزی قصیده‌ای در سوگ اشرف الصبحتی الفیلسوف سروده که در آن سال وفات اشرف را ۱۰۸۱ق عنوان کرده است.

۳. همچنین با استفاده از ترکیب «همای بخت» به سال خاصی اشاره کرده است:

حساب گردش ایام تا دبیر فلک      کشد به رشته تحریر گردش مه و سال  
کند به گلشن دولت نهال عدل تو گل      کشد به سایه همت همای بخت تو بال

که به حساب حروف ابجد، همای بخت معادل ۱۰۵۸ق است.

۴. در شعری دیگر به سال وفات فردی به نام نظام الملک اشاره می‌کند:

حساب سال وفاتش ز نام او جستم      نظام ملک چو شد نظم ملک شد درست

که با احتساب حروف ابجد ترکیب «نظم ملک» معادل ۱۰۸۰ق و سال فوت نظام الملک است و نکته جالب حذف حرف «الف» از نظام الملک برای دقیق شدن تاریخ مورد نظر بوده است.

### ویژگی‌های فکری

شعر نظمی در حوزه فکر و اندیشه دارای تنوع موضوعی است و می‌توان مشخصه‌هایی مانند تفکرات عرفانی در قصیده، استفاده از اصطلاحات نجومی و استفاده از تفکرات خیامی را در شعر او مشاهده کرد. وجود ویژگی‌های خاص، از خلاقیت اندیشه در قصیده گرفته تا به کاربرد اندیشه‌های عصیانگرانه و سرکشانه، موجب تنوع در این حوزه شعر او گردیده است. چند مورد موجب گسترش حوزه اندیشه شعر نظمی شده‌اند که در این بخش از نوشتار به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

**تفکرات عرفانی در قصیده:** قصیده قالب مناسب پند، اندرز، مدح، ستایش و حتی توصیف طبیعت است و در طول تاریخ ادبیات فارسی برای اغراض خاص استفاده می‌شده و نیز به خاطر داشتن چارچوب منسجم و مشخص، قالبی است که دستگاه فکری مشخصی را به مخاطب منتقل می‌کند، اما در شعر نظمی برای استفاده از اغراض و اهداف دیگری نیز از قصیده استفاده شده است و این یکی از ویژگی‌های انحصاری تفکرات نظمی است. به عبارتی، خلاقیت در استفاده از قوالب شعری و نگاه تازه به کارکرد آنان، یکی از ویژگی‌های خاص فکری شعر نظمی است. نظمی در قصیده‌های مدحی، گاه قصیده را بایبان تفکری عارفانه آغاز می‌کند و تغزل قصیده را به اندیشه‌ای تازه اختصاص می‌دهد:

اگر دهد فلکم خلعت سلیمانی برون نمی‌کنم از تن لباس عریانی

(قصیده ۱۵)

در این بیت، نظمی یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های فکری ادبیات عرفانی فارسی را به تصویر می‌کشد و آن هم دوری از تعلقات و پست‌ها و مقام‌های دنیایی است. در این بیت، شاعر انتخاب لباس عریانی را برای خود افتخاری بزرگ می‌بیند و حتی در مقابل خلعت سلیمانی و جایگاه پادشاهی، آن را از تن خود بیرون نمی‌کند.

در قصیده سوم نیز یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های ادبیات عرفانی فارسی به تصویر کشیده می‌شود و آن هم ستایش رهروان عشق و به‌طورکلی برتری بخشیدن به عشق در تقابل با عقل است:

سجده‌گاه شهپر عنقای همت‌گام ماست نقش پای رهروان عشق محراب دعاست

کی به سنجاب تعلق خواب راحت می‌کنم پهلوی آزاده مردان باب نقش بوریاست

(قصیده ۱۵)

در این دو بیت، شاعر تعلق و وابستگی را مانند جای خواب راحت و لطیف از جنس پوست سنجاب می‌بیند و آن را مناسب حال خود و عارفانی مانند خود نمی‌بیند، در حالی که معتقد است مردمان آزاده‌ای مثل او بر روی بوریا می‌خوابند و راحتی را بر خود حرام می‌دانند و آن قدر این خشن بودن و سختی بوریا زیاد است که طرح فراز و فرود بوریا بر روی پهلوی این آزاده مردان نقش بسته است.

در قصاید دیگری نیز این نگاه متفاوت نظمی دیده می‌شود و سعی می‌کند در تغزل‌های قصیده نگاه تازه‌ای وارد کند. به عنوان نمونه، تغزل قصیده ۴ را با فضایی عاشقانه آغاز می‌کند و در ادامه به فضایی عارفانه و صوفیانه پیوند می‌زند. این نگاه تازه حتی می‌تواند در قالب یک نوشتار جداگانه مورد توجه قرار گیرد و به عنوان موضوعی مستقل در باب آن صحبت کرد. اصطلاحات و اطلاعات نجومی: یکی دیگر از مضامینی که نظمی در شعر خود از آن استفاده می‌کند و دست‌گاه فکری اش را تکامل می‌بخشد، استفاده از فضای علم نجوم و ستاره‌شناسی است. آگاهی از نجوم بیان‌گر این نکته است که نظمی در علوم مختلف زمانه غور و تعمق داشته و از اصطلاحات علم نجوم و طالع‌بینی و برج‌ها و صورت‌های فلکی نیز آگاه بوده است. نمونه‌ای از این اشارت نجومی را در قصیده ۴ می‌توان شاهد بود:

به سعد اکبر اگر طالع اشاره کند طریقه دور نماید ز خانه میزان

(قصیده ۴)

در این بیت، واژه‌هایی مانند سعد اکبر، طالع، خانه و میزان، علاوه بر اشاره به اصطلاحات علم نجوم، زنجیره معنایی مناسبی نیز در بیت ایجاد کرده‌اند و بیت را در محور افقی به هماهنگی مناسبی رسانده است. در بیتی دیگر از همین قصیده بازم اشاره به این اصطلاحات به چشم می‌خورد:

ز بهر حشمت اسباب کامرانی تو فلک به برج شرف جمع می‌کند سامان

(قصیده ۴)

در این بیت نیز حضور واژه‌هایی مانند فلک، برج و شرف بیت را به فضای این علم نزدیک ساخته است. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که به چند مورد از آنان اشاره می‌شود:

ماه اقبال تو دارد خانه در برج شرف کیست حاسد تا کتان خود کشد در ماهتاب؟

(قصیده ۵)

به برجی کند اختر طالع سیر که مریخ آنجا به زنهار باشد

(قصیده ۸)

**تفکرات خیامی:** درباره اصول تفکرات و اندیشه‌های خیام در رباعیاتش می‌توان گفت که این اندیشه‌ها حول یک محور اصلی و چند محور فرعی می‌چرخند. محور اصلی آن‌ها که در واقع پایه‌های دیگر اصول فکری او، زیرمجموعه آن محسوب می‌شوند، نگاه فلسفی نسبت به پدیده‌های جهان است. اندیشیدن به مرگ و تأسف بر ناپایداری زندگانی و بی‌اعتباری روزگار، اغتنام فرصت، دعوت به شادخواری و شادی و غیره، از اصول مفاهیمی است که خیام در رباعیاتش به شیوه‌های گوناگون پرورده است. البته این اندیشه‌ها و مفاهیم، با او آغاز نشده و جزء کهن‌ترین تأمل‌های بشری است. پایه اصلی اندیشه‌های خیامی، تأمل در راز هستی و نیستی و سرنوشت انسان است، این‌که از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم؟ چرا کائنات به وجود آمده‌اند و چرا از میان می‌روند؟ پرسشی است که قرن‌هاست فکر بشر را به خود مشغول داشته است. ناگزیر، زندگی فرصتی است کوتاه و ناپایدار و هرچه هست، بی‌اعتبار و فناپذیر است و آدمی، محکوم و مجبور! (یوسفی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۷). مجموع این تفکرات در ادبیات فارسی با عنوان تفکرات خیامی مشهور شده‌اند و تحت این عنوان مورد استفاده قرار می‌گیرند. در شعر نظمی بیت‌ها و مصراع‌هایی هستند که به چرایی هستی و آفرینش پرداخته‌اند و به فنا و نیستی آدمی اشاره کرده‌اند:

از راه فنا نیست گریزی و گزیر از خضر و مسیح گیر تا چرخ اسیر  
کوته‌نظران خواب و خیالی دیدند کردند به عمر جاودانی تعبیر

(رباعی ۲۰)

در این رباعی، نظمی به فنا و نیستی پایان کار آدمی اشاره دارد و مانند خیام، همه آدمیان را از خضر گرفته تا مسیح، اسیر چرخ می‌داند. همچنین، تفکر عمر جاودانی را خواب و خیالی بیش نمی‌بیند.

در رباعی دیگری نیز نظمی زندگی انسان را مانند چراغی در مسیر باد می‌بیند:

هرکس که درین دیر غم آباد آمد مانند چراغی به ره باد آمد  
افتاد مرا نظر چو بر قوس قزح از طاق و کمان کسری ام یاد آمد

(رباعی ۱۸)

در این رباعی، شاعر زندگی همگان را بر پایه نیستی می‌داند و معتقد است، حتی بزرگانی مانند کسری با طاق و عظمت کاخش، این راه را طی کرده‌اند.

در ادامه به یکی دو نمونه دیگر از این تفکرات اشاره می‌کنیم:

مغرور چهار روزه خیل و حشم دو گوش و دو چشم داشت، بر طبل و علم  
از گوش نرفته نعره کوس امیر چوبک زن دولتش بزد طبل عدم

(رباعی ۳۳)

بر تخت و بیوت بخت بنگر به یقین  
رنج شهی و راحت درویشی بین  
سودای نمد کلاه و کجکول فنا  
فارغ سر و دست دارد از تاج و نگین

(رباعی ۵)

### ویژگی‌های سبک هندی در شعر نظمی

نظمی بهبهانی، شاعر دوره‌ای است که از نظر فکری و زبانی، زیرمجموعه سبک هندی قرار می‌گیرد. بیشتر خصایص سبک هندی نیز در اشعارش مشاهده می‌شود. از این رو، می‌توان او را در زمره شاعران سبک هندی به شمار آورد. از ویژگی‌های مهم سبک هندی می‌توان به استفاده از مضامین باریک و نازک خیالانه، تکرار قافیه، استفاده از اسلوب معادله، استفاده از واژگان رایج عمومی، کوچه و بازار و غیره اشاره داشت که در این نوشتار به بیان ویژگی‌هایی پرداخته شده است که نسبت به سایر خصایص، دارای بسامد بالاتری هستند.

مضامین پیچیده و نازک خیالی نظمی: یکی از مهم‌ترین خصایص سبک هندی، تلاش شاعر برای کشف تصاویر بدیع و تازه و آفریدن مضمونی دور از ذهن و نازک خیالانه است. صائب تبریزی، بیدل، طالب آملی، کلیم کاشانی و غیره، از جمله شاعرانی هستند که در ساختن تصاویر و مضامین پیچیده و باریک بسیار توانمند بوده‌اند:

از آن موی میان هرگاه کردم مصرعی موزون  
سخن از بس که نازک بود معنی در میان گم شد

(غزل ۸)

مطلع ابروی او تا نبود مد نظر  
سرزیک مصرع پیچیده به در نتوان کرد

(غزل ۳۴)

کی به سنجاب تعلق خواب راحت می‌کنم؟  
پهلوی آزاده مردان باب نقش بوریاست

(قصیده ۵)

تکرار قافیه: ادب‌شناسان و قافیه‌سنجان، تکرار قافیه را در غزل که تعداد ابیات آن علی‌المشهور هفت تا چهارده می‌شمارند، جایز نمی‌شمارند و مشهور است یا از اغلاط مشهور است که غزل‌سرایان بزرگ فارسی این قاعده را رعایت کرده‌اند. تاکنون تحقیق جامع و یا حتی مفردی در این باب صورت نگرفته که آیا غزل‌سرایان بزرگی چون مولانا و سعدی و حافظ این قاعده را رعایت کرده و از تکرار قافیه پرهیز کرده‌اند یا خیر؟ تکرار قافیه در غزل حافظ را به سه دسته خفیف (ایضا خفی) و شدید و شدیدتر تقسیم کرده و برای هر یک شواهدی آورده و در انتها به این نتیجه رسیده‌اند: «آری با نظر در این همه شواهد معلوم می‌شود که حافظ اگر عمدی به تکرار قافیه نداشته بوده، بی‌شک اکراهی هم نداشته است، اما تکرار قافیه نه از حافظ شروع شده و نه به او ختم گردیده، یک شاخه از پیروان سخت‌کوش حافظ، یعنی شعرای سبک هندی این تفنن را به عمد و تصنع آشکاری کشانده‌اند تا بدان جا که در سبک هندی تکرار قافیه نه فقط مباح و حتی ممدوح، بلکه از مشخصه‌های این سبک است. کمتر غزلی از صائب یا عرفی یا دیگر هندی‌گویان بزرگ هست که در آن تکرار قافیه نباشد» (خرم‌شاهی، ۱۳۶۸: ص ۸۳۸).

در شعر نظمی نیز، تکرار قافیه از بسامد بالایی برخوردار است و مشخص می‌شود که نظمی همچون سرایندگان سبک هندی، تکرار قافیه را جایز دانسته و حتی گاهی بر آن تأکید دارد. به عنوان نمونه، تکرارهای قافیه را در یکی از قصاید نظمی

از نظر خواهیم گذراند تا با توجه به این قصیده مشخص گردد که نظمی چقدر از این ویژگی برای ساختن تصاویر زیبا بهره برده است: در قصیده دوم که در مدح امام رضا سروده شده است، چند نمونه از تکرار قافیه اتفاق افتاده است. شاعر در ۵ بیت از واژه «پیشانی» و در ۵ بیت نیز از واژه «حیرانی» استفاده کرده است و تکرار قافیه را به عنوان یک عامل مهم برای بیان تصاویر مختلف، به کار برده است.

### الفاظ و اصطلاحات رایج در سبک هندی

واژه طرز: این واژه فراوان در دوره استیلای سبک هندی بر شعر فارسی به کار رفته و اصلاً از آن به معنی «سبک» استفاده شده است. در شعر صائب و بیدل نیز بارها به کار گرفته شده است.

ز جام مبدأ فیاض، نظمی گرچه سرمستم  
به طرز تازه چو پیری فغان کند طبعم  
ولی طرز از زمان دارم که رحمت باد بر پیرش  
مزاج یافت می کهنه در کدوی سخن

#### مصراع برجسته یا پیچیده

به مجموعه بوستان سرو موزون  
چو برجسته مصراع در اشعار باشد  
یا:

صفحه جود و ثنار مصراع برجسته است  
معنی مدح من و مضمون فیض آن جناب  
همچنین:

همچون من در پیچ و تاب مصراع مشکل مباش  
معنی زلف خود از مضمون دل پیدا مکن  
و:

مطلع ابروی او تا نبود مد نظر  
سرزیک مصراع پیچیده به در نتوان کرد  
شاه بیت

هلال ابروی جود تو در سپهر کرم  
چو شاه بیت بلندی ست در بیاض سخا  
یا:

نقطه خال سیه در گوشه ابروی او  
شاه بیت حسن را باشد نشان انتخاب  
واژه «انداز»

این واژه از اصطلاحات رایج سبک هندی است که در اشعار نظمی نیز مورد توجه بوده است:  
که صولجان فصاحت شده به گوی سخن  
نموده خامه ام انداز مبدأ فیاض  
یا:

راه معراج فنا پرواز شوقم قطع کرد  
قطره در انداز همت می زند گامم هنوز  
یا:

بی قراری های شوقم صد گریبان چاک زد  
ساده لوحی بین که در انداز آرامم هنوز

## نتیجه‌گیری

نظمی بهبهانی، از شاعران نام‌آور و شناخته‌شده در عصر صفوی و با بزرگان دوره خویش و همین‌طور با رجال سیاسی و افراد درباری نیز در ارتباط بوده است و برای بسیاری از آن‌ها مدح یا مرثیه سروده است. ساختار شعری نظمی بهبهانی به سبک هندی‌گرایی دارد و شاعر تلاش می‌کند از مضامین پیچیده و نازک خیالانه استفاده نماید و نیز از برخی از مؤلفه‌های سبک هندی مانند تکرار قافیه، اسلوب معادله، استفاده از واژه‌های عامیانه و غیره در شعر خویش استفاده می‌کند. او در غزل تحت تأثیر حافظ و گاه سعدی است. در قصیده به شیوه انوری و خاقانی نظر دارد و در رباعی خیام را به عنوان الگوی خویش مدنظر داشته است. در باب قصاید نظمی می‌توان به رعایت مناسب چارچوب قصیده توسط او و نیز استفاده از تفکرات عرفانی در قصیده اشاره کرد و نیز در مورد سایر قالب‌ها نیز باید به توانایی او در سرودن ترکیب‌بند گوشه چشمی داشت که همان ترکیب‌بندی که در سوگ یکی از بزرگان دوره خویش سروده است، می‌تواند گواه خوبی برای این مطلب باشد. همچنین، پس از تصحیح دیوان نظمی بهبهانی به شیوه تصحیح انتقادی، مشخص شد که برخی از ویژگی‌های رسم‌الخطی در نسخه خطی دیوان نظمی بهبهانی وجود داشت که بدون تصحیح و تعلیق توسط کارشناس مسلط، فهم آن‌ها کار ساده‌ای نبود و نیز افتادگی‌ها و خدشه‌هایی که در صفحات مختلف دیوان مشاهده می‌شود، لزوم تصحیح دیوان نظمی را بیش از پیش، نمایان می‌ساخت. در پایان باید عنوان شود که نظمی بهبهانی به عنوان یکی از شاعران برجسته شعر دوره صفوی، از شاعران است که تصحیح دیوان شعری او پنجره تازه‌ای به روی ادبیات فارسی، سبک هندی و شعر دوره صفوی گشوده است و بررسی دیوان شعر او حتی می‌تواند از لحاظ تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه و حتی بررسی‌های تاریخ ادبیاتی، درخور تأمل باشد.

## منابع

۱. بهبهانی عجزی، جنگ. (نسخه) به شماره ۳۳۴۹. محل نگهداری: کتابخانه دانشگاه تهران.
۲. بهوپالی، محمدعلی حسن خان. (۱۳۹۰). تذکره صبح گلشن. تهران: اوستا فراهانی.
۳. بهوپالی، محمدعلی حسن خان. (۱۳۹۴). نگارستان سخن. تهران: هاوار.
۴. پورکاظم، کاظم. (۱۳۷۸). نگاهی به مشاهیر علم و ادب خوزستان. خوزستان: سرزمین خوز.
۵. تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۷۴). سفرنامه. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
۶. حکیم، محمدحسین. (۱۳۹۰). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ج ۲. تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۷. خوشگو، بندار بن داس. (۱۳۹۰). سفینه خوشگو. تصحیح کمیل اصغر. تهران: کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸. خیام پور، عبدالرسول. (۱۳۹۳). فرهنگ سخنوران. تهران: طلاییه.
۹. دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۶۳). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ج ۳. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. درایتی، مصطفی (بی‌تا). فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا). ج ۵. مشهد: مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.

۱۱. درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). ج ۱۵. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. دولت‌آبادی، عزیز. (۱۳۷۷). دانشمندان و سخنوران آذربایجان. تبریز: ستوده.
۱۳. رازی، امین احمد. (۱۳۸۶). تذکره هفت اقلیم. تصحیح، تعلیقات و حواشی سید محمدرضا طاهری. تهران: سروش.
۱۴. رحمعلی خان، ایمان. (۱۳۸۶). تذکره منتخب اللطایف. با مقدمه تاراچند. تهران: طهوری.
۱۵. سامی، شمس‌الدین. (۱۳۱۶). قاموس الاعلام. ج ۶. به سرپرستی غلامحسین مصاحب. استانبول.
۱۶. صدرهاشمی، محمد. (۱۳۲۳). شعر و شاعری در عصر صفوی. اصفهان: روزنامه نقش جهان.
۱۷. طباطبائی بهبهانی، محمد. (۱۳۹۲). کارنامه بهبهان. تهران: امید مجد.
۱۸. علامه امینی، عبدالحسین. (۱۳۷۸). الغدیر. ترجمه، تصحیح و تعلیقات سید عبدالعزیز طباطبایی. تهران: بنیاد بعثت.
۱۹. فتوحی، محمود. (۱۳۷۹). نقد خیال (بررسی دیدگاه‌های نقد ادبی در سبک هندی). تهران: روزگار.
۲۰. فقهی، حسن. (۱۳۹۹). تاریخ و احوال حاضر بهبهان و دانشمندان بنام آن. تهران: هوتران.
۲۱. منزوی، احمد. (۱۳۸۵). فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۲. مولوی مظفر حسین، محمد (صبا). (۱۳۹۲). تذکره روز روشن. تصحیح محمد حسین رکن‌زاده آدمیت. تهران: آیین کتاب.
۲۳. مهدوی، سید مصلح‌الدین. (۱۳۳۴). تذکره شعرای معاصر. اصفهان: کتابفروشی تأیید.
۲۴. نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمد ظاهر. (۱۳۱۷). تذکره نصرآبادی. تصحیح وحید دستگردی. تهران: ارمغان.